



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۱۲/۲۷



سیدهاشم سدید

دموکراسی، بهترین راه حل مشکلات ما

به استثنای یکی دو مطلب، من با تمام سخنانی که در مقاله دقیق "دموکراسی د حل لاره نه ده"، که به قلم توانای جناب سمیع الدین افغانی نوشته شده است، موافق هستم. در مورد مطالب یاد شده در مقاله، چیزی باقی نمانده که گفته شود، اما:

حیف و دریغ که تلاش های موجود برای دست یافتن به یک نظام مبتنی بر رأی و اراده مردم، که به وسیله مردم، برای بهزیستی مردم و برای تنظیم روابط سیاسی یک جامعه به وجود می آید و اداره می شود، با مشکلاتی که وارثان سلسله های استبداد و جهل، و سودجویان مذهبی و غیرمذهبی ایجاد نموده و ایجاد می نمایند، رو به رو شده است. واقعیت امر اینست که دموکراسی، با تجارب تاریخی و ملموس، بهترین راه حل برای زیستن و استفاده بردن مردم از تمام مزایای موجود در یک جامعه به شکل بهتر و در حد مناسبتر نسبت به هر نوع نظامی دیگری است که نوع انسان تا اکنون با آن رو به رو بوده است.

نظام های استبدادی، تا جایی که تجربه نشان داده است، هیچ کدام نتوانسته است در عمل سودمندی خویش را برای سعادت مند ساختن انسان های تحت سیطره خویش، حتی به گونه نسبی، به اثبات برسانند.

مستبدین، خواه شیخ و شاه و سلطان، خواه نظامی و خواه منسوب به یک نظام ایدئولوژیک چپ و راست افراطی، همراه با دار و دسته های حامی و مورد حمایت خویش، همواره مردم را به بیگاری (کار بی مزد) گرفته و با بی رحمی تمام شیره جان آن ها را تا توانسته اند قطره قطره نوشید اند. عمر را در خوشگذرانی و عطالت گذرانیده، نه در فکر رفاه مردم و عدالت و توزیع فرصت های سیاسی - اقتصادی - اداری برابر در کشور هستند و نه در فکر پویایی و آبادی خاک و وطن. تلاش این ها تنها در جهت تأمین سعادت و حفظ قدرت خود شان بوده و بس.

مثال زنده، تنها یک مثال از میان ده ها مثال در اروپا و امریکا و برخی از کشورهای آسیائی، کوریای شمالی و کوریای جنوبی است. دومی با تولید ناخالص تقریباً هشتاد تا نود برابر بیشتر از اولی، کشوری است که با گردش قدرت بر اساس انتخابات آزاد، برابری در برابر قانون، محافظت از حقوق و آزادی های فردی و بالاخره مشارکت فعال همه شهروندان این کشور در امور و زندگی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی اداره می شود. رئیس جمهور به عنوان یک رهبر فعال مایشا و دائمی بر اریکه قدرت، مانند کوریای شمالی و سوریه و عراق و ایران و... تکیه نمی زند و با استبداد و ایجاد فضای رعب و شکنجه و زندان و اعدام مردم را در مسیری که خود می خواهد، نمی کشاند.

در کوریای جنوبی، مانند کشورهای اروپائی، ایالات متحده امریکا و کانادا و جاپان و هانگانک و کشورهای های همانند این ها، حکومت ها بر محور اهمیت و حقوق افراد انسانی به وجود می آیند و می چرخند و قوانین آن از/با اراده همگانی پدید آمده است؛ نه از اراده و خواست و میل یک فرد!

در چنین کشوری، اگر رئیس جمهور قوانین را نادیده بگیرد و دست به کاری بزند که اجازه توسل جستن به آن کار را نداشته باشد، در صورتی که موضوع افشاء و ثابت گردد، با پولیس و قانون و دادگاه و زندان سر و کار پیدا می کند، چنان که در خبری که در نوشته ماه اپریل سال 2018 بی بی سی فارسی آمده است، رئیس جمهور سابقه این کشور، خانم پارک گون - هه، به دلیل سوءاستفاده مالی و استفاده از قدرت و ارعاب، به 24 سال زندان و پرداخت 18 میلیارد "وون" (معادل 17 میلیون دالر) محکوم گردید.

چنین امری تنها در کشوری متصور و ممکن است، که در آن کشور قانون و اراده عمومی حاکمیت دارد، نه یک فرد یا مشتئی از افراد، مانند صدام ها و خامنه ای ها و آل سعود ها و اسد ها و پل پت ها و... روی سینه مردم نشسته اند.

کوریای جنوبی امروز کشوری آباد و توسعه یافته است؛ با مردمانی که در منتهای رفاه مادی و معنوی زندگی می کنند. تولیدات صنعتی - تکنولوژیک این کشور با تولیدات امریکا و جاپان و کشورهای اروپای، مانند آلمان، همرتبه و برابر هستند؛ اگر بهتر نباشند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

این واقعیت که ثروتمندترین کشورهای جهان امروز، کشورهایی هستند که دارای نظام دموکراتیک می باشند، مانند امریکا و جاپان و آلمان وانگلیس و فرانسه و... قابل حاشا و تکذیب نیست. انصراف شوروی و کشور های اروپای شرقی زیر سلطه شوروی از نظام کمونیستی موجود در آن کشور ها، و قسماً چین، برای همین بود که نظام های استبدادی حاکم بر این کشور ها درد های اساسی این کشور ها را نتوانستند مرفوع کنند.

با ارائه این چند مثال مختصر، نتیجه ای که به دست می آید این خواهد بود که راه حل مشکلات ما نیز، در یک تحلیل نهائی و واقع بینانه، تنها همین خواهد بود که ما به حرکت به سوی دموکراتیزه نمودن نظام و جامعه خود کماکان ادامه بدهیم و بیشتر از پیش تمرین دموکراسی کنیم.

نا گفته پیداست که مشکلات زیادی سر ما راه ما برای رسیدن به این مقصد وجود دارد؛ از جمله آنانی که به دلیل منافع شخصی و گروهی خویش به نحوی از انحاء می کوشند فضای نیمه مساعد موجود را مکرر بسازند، از نام دموکراسی سواستفاده کنند، دموکراسی را خلاف شأن و خلاف رسوم و عنعنات و فرهنگ کشور معرفی کنند و یا این که به نام ضرورت سرکوب مخالفین دموکراسی به تبلیغ نیاز به استبداد پردازند.

راه حل مشکلات ما نیز، مانند سایر کشورهای ثروتمند - نیرومند جهان، فقط داشتن یک نظامی دموکراتیک، که در آن مردم حق تعیین نظام، وضع قوانین، حق تعیین مسئولین امور و نظارت بر کار آن ها را دارند، می باشد؛ منتها برای رسیدن به این مأمول خجسته باید اولتر از همه دست وارثان استبداد و جهل را چه گلبدین باشد و چه سیاف و طالب و نور و محقق و امثالهم از دخالت بی جا و بی مورد و مضر در کار های همگانی کوتاه کنیم.

راهی کوتاه کردن دستان ناباب از امور مردم و جامعه ایجاد یک حاکمیت استبدادی نیست؛ زیرا تجربه نشان داده است که استبداد استبداد می زاید، بلکه دست کشیدن مردم از حمایت این وارثان استبداد و جهل است؛ و تقویت آنانی که به دموکراسی به عنوان راهی برای حاکمیت قانون، آزادی، تأمین حقوق فرد انسان ها، آزادی های سیاسی - اقتصادی و عدالت، ولو نسبی، باور دارند.

به خصوص وقتی به این باور هستیم که بیشتر مردمان کشور ما، حتی آنانی که سواد ندارند؛ امروز سیاسی شده اند... آخرین سخن: ما باید در فکر حل یکباره و دائمی مشکلات خود باشیم؛ نه این که کلخ بگذاریم و از آب بگذریم. راه حلی که زمینه بازگشت مشکل را باز می گذارد، راه حل نیست، بلکه بزرگتر ساختن دردسر و مشکل است!

پایان